

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام

دستورالعمل و ادب ظاهری نماز این است که در آخرین رکعت نماز، بعد از اینکه تشهد خوانده شد، نمازگزار برای خروج از نماز سلام می‌دهد. سلام یک عبارت واجب دارد و آن «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» است؛^۱ اما عبارتهای مستحب متعدّد و فراوانی در کنار این عبارت واجب وارد شده است؛ که بهره بردن از آنها بسیار ارزشمند است.

از جمله سلام دادن به پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»^۲ که با این عبارت هم وارد شده است: «وَ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ»^۳. پس از آن سلام بر ائمه‌ی طاهرين عليهم السلام: «السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الْهَادِيْنَ الْمُهْدِيْنَ»^۴ و سپس «السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ»^۵ سلام بر پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عبد خدا، آخرین پیامبر و پایان بخش انبیای الهی؛ سلام بر امامانی که هدایت‌گران خلق و هدایت‌یافته‌گان از جانب خالق بودند و سلام بر همه‌ی پیامبران الهی و ملائکه‌ی مقرب پروردگار.

این عبارت هم برای ادامه‌ی سلام آمده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَيِّمَةِ الْمُعْصومِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ الْمُزْسَلِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيَّ جَمِيعِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ الْمُقَرَّبِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيَّ

۱. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۰۱ و ۳۰۸ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۱ و ابن حبیون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. وسائل الشیعة، حرّعاملی، ج ۶، ص ۳۹۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۹۴ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۹.

۳. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۹۱ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۸۷ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۲ و سیّدین طاووس، فلاح السائل، ص ۱۶۳.

۵. مقدادی اصفهانی، نشان از بی نشانها، ج ۲، ص ۲۱۳.

جَمِيعِ أَهْلِ الطَّاعَةِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ^٦ یعنی سلام بر علی، امیر مؤمنان علیه السلام؛ سلام بر همه‌ی امامان معصوم علیهم السلام؛ سلام بر همه‌ی پیامبران الهی و رسولان و فرستادگان خداوند علیهم السلام؛ سلام بر همه‌ی فرشتگان الهی و ملائکه‌ی مقرب خداوند علیهم السلام و سلام بر همه‌ی اهل طاعت و فرمانبری از خدا، در آسمان‌ها و زمین.

سپس عبارت «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» که ما با آن آشنا ترسیم، گفته می‌شود و همین‌طور «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» که بخش واجب سلام است.

عادت به روش پیشینیان سبب شده است اغلب نمازگزارها از بسیاری از بخش‌های مستحبّ سلام نماز بهره نمی‌برند؛ تارک آن بخش‌ها هستند و از برکات آنها محرومند. عبارت‌هایی که الآن خدمت شما خواندم و در روایات وارد شده است، اجزاء مکمل نماز و سبب بهره‌های فوق‌العاده‌ای هستند. همین‌جا خاطره‌ای به ذهنم آمد: مرحوم شیخ محمدتقی آملی‌رضوان‌الله‌تعالی‌علیه شخصیتی عظیم‌القدر، فقیه بزرگواری در طراز مرجعیت، همین‌طور از شاگردان بزرگ مرحوم آیت‌الله قاضی‌رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و عارفی دست‌پرورده‌ی ایشان است. خیلی سال قبل در حالات مرحوم آملی‌رضوان‌الله‌تعالی‌علیه می‌خواندم که گاهی اوقات ایشان در نمازهای نافله‌ای که می‌خواندند، چه در نافله‌ی سحر و چه در نوافل نمازهای روزانه، به سلام واجب، یعنی «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»، قناعت می‌کردند. خود ایشان نقل می‌کنند که برای من مکشوف شد و به من بهشت‌های گسترده‌ای را نشان دادند و گفتند به‌خاطر اینکه سلام‌های مستحبّ نماز را نمی‌دهی، اینها به تو عطا نمی‌شود. این را عرض کردم تا بدانیم بسنده کردن به حداقل واجبات سبب

^٦. فیض کاشانی، اسرار نماز، ص ۵۰.

محرومیت‌های بزرگ است. این بحث‌ها را مفصل خدمت عزیزان گفته‌ایم و در کتاب شراب طهور، خصوصاً در مبحث عبادت، مفصل نوشته‌ایم^۷ که سالک اگر خود را به واجبات محدود کند، به جایی نمی‌رسد. اگر به نوافل و مستحبات نپردازد و از آنها بهره نگیرد، شانس عروج و نیل به مراتب بلند کمال را نخواهد داشت. بنابراین رویکرد حدّاقلی به عبادات سبب محرومیت فرد است. گمان نکنیم که اگر واجبان را به‌جا آوردیم، دیگر مسئولیتی نداریم و کار را به پایان برده‌ایم. بلکه اگر به آن بسنده کنیم، محرومیت‌های عظیمی متوجه ما شده است. البته متقابلاً نمی‌خواهیم جنبه‌ی افراط را تشویق کنیم. راجع به بحث اعتدال در همه‌ی ابعاد، مفصل خدمت عزیزان صحبت کرده‌ایم. همین اواخر در همین مبحث نماز و در تفسیر سوره‌ی حمد، در مورد صراط مستقیم، مفصل وارد بحث عدالت شدیم؛ و به اعتدال در اندیشه، احساس، خلقیات، روحیات و رفتارها خدمت عزیزان اشاراتی کردیم و طریق وسطی^۸ را طی کردن؛ که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الْيَمِينُ وَ الشِّئَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَّةُ»^۸ هم افراط و هم تفریط، هر دو گمراهی است. راه میانه که راه اعتدال است، جاده‌ای است که انسان را به مقصد می‌رساند. امیرالمؤمنین علیه السلام افراط و تفریط را بسیار فراوان نکوهش کرده‌اند. عبارات حضرت در نهج‌البلاغه موجود است که فرمودند: هم مُفْرِطٌ و هم مُفَرِّطٌ، هر دو به هلاکت می‌افتند و کسی به مقصد می‌رسد، که اهل اعتدال در همه‌ی ابعاد وجودی خود است. منتهی^۹ حدّ اعتدال را باید درست تشخیص داد. یکی از چیزهایی که همین اخیراً پیش آمد و من به

^۷. مهدی طیب، شراب طهور، ص ۲۷۳ - ۲۷۶.

^۸. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۶۸ و مجلسی، بحار، ج ۲۹، ص ۵۸۵ و شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، ص ۵۸.

یک دوستانی تذکر دادم، این بود که بعضاً ما حدّ اعتدال را درست نمی‌شناسیم. چون به حدّاقل‌ها بسنده کرده‌ایم و حدّاقل‌ها در جامعه‌ی ما عرف و عادت شده است، اگر کسی مثلاً اندکی بیش از آن حدّاقل به عبادت مشغول شد، گمان می‌کنیم که خیلی افراطی شده است. اگر کمی مثلاً به مستحبات پرداخت و به دعایی، مناجاتی، خلوتی، بیداری دل‌سحری، نماز شبی و امثال اینها موقّق شد، فکر می‌کنیم این شخص افراطی و تارک دنیا شده است. پس تشخیص حدّ اعتدال، خود نکته‌ی مهمّی است. معیار ما در تشخیص حدّ اعتدال، عرف و عادت امروزین جامعه نیست؛ بلکه قرآن، احادیث معصومین علیهم‌السلام و سیره‌ی عملی آن بزرگواران است. از آنها باید درس بیاموزیم و تشخیص دهیم که نقطه‌ی اعتدال کجاست؛ که فراتر رفتن از آن، افراط و کوتاه‌تر آمدن از آن، تفریط است.

بشر به خاطر راحت‌طبی خود همواره رویکرد حدّاقلی داشته است؛ یعنی همیشه می‌گشته است تا بتواند وظایف کمتری را انجام دهد و خود را بریء الذّمّه تلقّی کند. درحالی‌که این رویکرد درستی نبوده است و سبب محرومیت بشر از بسیاری از تعالی‌ها و عروج‌های روحانی و معنوی شده است. در پرداختن به ظاهر و باطن و در پرداختن به دنیا و آخرت، معیار را باید پیامبراکرم و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام قرار داد. آن بزرگواران راه میانه و اعتدال را برای ما ترسیم و مشخص کرده‌اند که امتّ وسط در همه‌ی ابعاد زندگی خود، چگونه باید رفتار کند.

هم مظاهر و مصادیق افراط و هم تفریط شناخته شده است. افراط بعضاً در فضا‌های عرفانی مشاهده می‌شود. خصوصاً اوایل که افراد به برکت قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام با معارف لطیف و بلند عرفانی آشنا می‌شوند و یا با شخصیت‌های بزرگ عرفانی آشنایی پیدا

می‌کنند، شوق چنان وجود آنها را به وجد می‌آورد، که به‌گمان اینکه با فشار آوردن‌های به خودشان و زیاد عمل انجام دادن، می‌توانند سریع‌تر به قله‌های بلند کمال برسند، دست به تقلای فوق‌العاده‌ای می‌زنند؛ که بخشی از آن افراط است. اینها را عرض خدمتتان کرده‌ایم. فقط به بهانه‌ی این بحث آنها را یادآوری می‌کنم. این‌گونه رفتارهای افراطی نه‌تنها انسان را زودتر به مقصد نمی‌رساند؛ بلکه چه‌بسا راه را برای همیشه بر انسان مسدود کند و ببندد و انسانی که اگر معتدل حرکت می‌کرد، می‌توانست به نقاط بلند و ارزشمندی برسد؛ به دلیل همین رفتارهای افراطی، خود را فرسوده، افسرده، ناتوان و بیمار یا دل‌زده و خسته کرده و برای همیشه این راه را رها می‌کند و یا توانایی جسمانی، عصبی، روانی و روحی ادامه‌ی این راه را برای همیشه از دست می‌دهد؛ لذا به این نکته باید دقت کرد. شوق به رفتارهای افراطی، خصوصاً در اوایل آشنایی انسان با حقایق بلند معنوی و عرفانی و شخصیت‌های بزرگ عرفانی دست می‌دهد و بعضاً فرد را به این‌گونه رفتارها وا می‌دارد؛ به‌ویژه انسان این را در جوان‌ها خیلی بیشتر می‌بیند. انسان باید مراقب باشد که دچار افراط نشود؛ از همه چیز نَبَرَد؛ تارک دنیا نشود؛ رهبانیت پیشه نکند؛ روابط اجتماعی، خانوادگی و فامیلی خود را قطع نکند؛ از پرداختن به فعالیت‌های ظاهری، کسب علم، تلاش برای کسب و کار، تأمین معیشت و امثال اینها دست نکشد؛ به گنجی نخزد و تارک دنیا نشود. این راه نادرستی است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ»^۹ کسی که دنیای خود را به‌خاطر آخرتش ترک می‌کند، او از ما اهل‌بیت علیهم السلام و پیرو ما نیست و همین‌طور کسی که آخرت خود را

^۹ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۶ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۱۷، ص ۴۱.

به خاطر دنیایش ترک می‌کند، او هم از ما نیست. اعتدال طریقی است که هم به ظاهر، هم به باطن، هم به دنیا و هم به آخرت، به‌طور متوازن می‌پردازد و سهم و حق هریک را به تناسب ارزش آنها ادا می‌کند.

طبیعی است که انسان باید به دنیا به‌منزله‌ی ابزاری برای تعالی روح و معنویت و تقرب الی الله نگاه کند. دنیا مقصد سالک، مؤمن و عارف نیست. بلکه دنیا ابزار و مسیر است؛ «الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ»^{۱۰} دنیا معبری است که باید از رهگذر آن به آخرت رسید؛ ولی اگر از این معبر استفاده نکنی، به آن مقصد هم نمی‌توانی دست پیدا کنی. به دنیا هم باید پرداخت؛ منتهی^۱ با دید ابزاری و معبر بودن؛ نه با دید هدف بودن و مقصد بودن. اگر این توجه باشد، بهره گرفتن از دنیا یک تکلیف است. قرآن فرمود: «وَ اتَّبِعْ فِيهَا آتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»^{۱۱} فرمود: در آنچه خدا به تو عطا کرده است، هدف و رویکرد خود را آخرت‌طلبی، تقرب الی الله و تعالی روح قرار بده و بهره گرفتن از امکاناتی را که خدا در دنیا، برای رسیدن به این تعالی و تکامل به تو داده است، به فراموشی نسپار؛ آنها را راکد نگذار و از آنها بهره ببر. اگر در چهارچوب قواعد الهی و با انگیزه‌ی جلب رضای الهی مشغول فعالیت‌های دنیوی شوی، می‌توانی با آنها به آخرت دست پیدا کنی و به تعالی روح و تقرب الی الله نائل شوی. در نتیجه این افراط‌ها غلط است.

نقطه‌ی مقابل، تفریط است. کسانی که اصلاً طعم معنویت و عرفان را نچشیده‌اند؛ از مقامات بلند انسانی غافل‌اند و انسان را در حد جنبه‌های طبیعی و زندگی مادی دنیوی

^{۱۰} لینی‌واسطی، عیون‌الحکم، ص ۱۹ و تمیمی‌آمدی، غرر‌الحکم، ص ۳۴.

^{۱۱} .سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۷.

خلاصه کرده‌اند؛ به گمان اینکه با حدّ اقل واجبات را انجام دادن، همه‌ی آنچه که باید و شاید، انجام شده است؛ بقیه‌ی عمر خود را در خدمت مطامع دنیوی قرار می‌دهند و از بسیاری از کمالات روحانی و معنوی باز می‌مانند. این تفریطی در برابر آن افراط است. هم آن افراط غلط و نادرست است، هم این تفریط. «لا زُهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ»^{۱۲} تارک دنیا شدن در اسلام وجود ندارد.

حدّ درست اعتدال را باید از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام آموخت و شناخت و در آن حدّ مسیر را طی کرد. حدّ اعتدال سبب می‌شود که هم خستگی و فرسودگی، فرد را از ادامه‌ی راه باز ندارد و هم با غفلت از آنچه که باید انجام شود، فرد از مقامات بلند معنوی محروم نماند. هر دو جانب را باید مراعات کرد.

عرض کردیم اینکه ما در عباداتمان کمتر از مستحبات بهره می‌گیریم؛ به خاطر عادت غلطی است که از گذشته‌ها به ما منتقل شده است. بعضاً پدر و مادر و اجدادمان هم با رویکرد حدّ اقلی به عبادات پرداخته‌اند؛ لذا به ما هم همین‌گونه یاد داده‌اند؛ گمان می‌کنیم چیزی بیش از آن وجود ندارد و این سبب محرومیت ما از بسیاری از تعالی‌ها شده است. این اشتباه بسیار بزرگی است که از گذشتگان به ما منتقل شده است و ما هم راه گذشتگان را به آیندگانمان می‌آموزیم. عرض کردیم خدمتتان که حدّ اقل‌هایی در عبادات و احکام شرع وجود دارد؛ منتهی^۱ حدّ اقل‌ها مال ورودی‌هاست؛ مثلاً برای یک شخص مسیحی که تازه مسلمان شده است؛ یا یک بچه‌ی کم سنّ و سال که تازه به سنّ بلوغ رسیده است. اگر بخواهید بار سنگین به دوش اینها بگذارید، از همان اول پشیمان

^{۱۲}. ابن حیّون، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۳ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵ و ابن اثیر جزری، النّهایة، ج ۲، ص ۲۸۰.

می‌شوند و راه را رها می‌کنند. اگر حدّاقل‌هایی ترسیم شده است، برای ورودی‌های به حوزه‌ی عبادات و احکام است؛ اما کسی که سال‌ها عمر خود را در فضای دین طی کرده است، اگر بخواهد هنوز هم به حدّاقل‌ها در احکام الله و در طاعات و عبادات بپردازد، مایه‌ی محرومیت خود را فراهم کرده است.

در مورد سلام نماز هم همین‌طور است که اشاره کردم سلام‌های متعدّدی در روایات وجود دارد که فضیلت‌های فوق‌العاده‌ای هم دارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ